

عدم مشروعیت ضرر معنوی از دیدگاه قرآن و احادیث

مهدی بهره‌مند*

تاریخ دریافت: ۹۲/۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۲۰

چکیده

مقاله حاضر به بررسی و تبیین مبانی عدم مشروعیت ضرر معنوی از دیدگاه قرآن و احادیث پرداخته است. به طور کلی در این مبحث حجیت نهی از ضرر معنوی منطبق بر قرآن و روایات، و اثبات این موضوع که دین اسلام علاوه بر جلوگیری و نهی از ضرر مادی، جلوگیری و نهی از خسارت معنوی را مد نظر داشته، و مقاومت در برابر این ضرر را نوعی امتناع از احقاق حق انسانی می‌داند بیان شده است. نهایتاً اگر قانونگذار در قوانین موضوعه به بحث و تحقق و جبران خسارت معنوی پرداخته است عمدتاً بر مبنای دین اسلام یعنی قرآن و سنت معصومین(ع) بوده است، و از سوی دیگر نظام حقوقی اسلام که همواره بر پایه حق و عدل بوده است کوچک‌ترین و حتی ناچیزترین تعدی و ظلم را ناروا دانسته است پس چگونه می‌توان گفت که در این آئین، ضررهای معنوی بر شخصیت و حیثیت و منش و روح و روان بلند انسانی نادیده گرفته شده باشد. بنابراین بدیهی است که روح حاکم بر این نظام هم در کتاب و هم در سنت به این مقوله عنایت دارد.

کلیدواژه‌ها: خسارت، حرج، معنوی، ضرر، جبران.

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت(مریی) Mehdi.bahrehmand@yahoo.com

مقدمه

عقل سلیم، ضرورت زندگی اجتماعی و واقعیت‌های روزمره بر این حقیقت مهر تأیید می‌نهند، که حقوق و اختیارات نباید به صورت نامحدود به کار روند؛ زیرا بهره‌گیری لجام گسیخته از حقوق می‌تواند به آزادی‌ها و حقوق دیگران لطمه وارد کند و نظم اجتماعی را مختل سازد. حفظ نظام فردی و اجتماعی اقتضا می‌کند که فرد در جهت احقاق حق، تکلیف و آئین رسیدن به حق و حقوق‌اش را دنبال کند و از محل و مجرای خود بتواند به حق‌اش برسد، و نمی‌توان برای استیفای حقوق فردی و اجتماعی خود ضرر و خسارت به دیگران وارد نمود؛ فرقی ندارد که این ضرر و زیان، مادی باشد یا معنوی.

همان‌گونه که حفظ و صیانت از اموال و دارائی‌ها برای انسان مهم است به طریق اولی حفظ و صیانت از شخصیت و حیثیت و عرض و آبرو که بعد معنوی و انسانی اوست اهمیت بیش‌تری دارد. اگر قرار باشد معنویت و شخصیت انسان مورد تهاجم و هتک حرمت قرار گیرد، دیگر دارائی و مال و ثروت ارزش اعتباری خود را نیز از دست می‌دهد، از این رو جا دارد همان‌گونه که در جهت مالکیت و احترام به مالکیت قوانینی وضع شده، و ضمانت‌های اجرائی در این راستا پیش‌بینی شده است در راستای حفظ آبرو، حیثیت و شرافت انسان و جلوگیری از هرگونه ضرر و خسارت معنوی افراد قوانینی صریح‌تر و شفاف‌تر، و با ضمانت اجرائی بالا وضع شود تا جامعه بتواند با اجرای حقوق مادی و معنوی توأمان به پیشرفت، توسعه و تکامل برسد.

معانی لغوی و اصطلاحی خسارت(ضرر)

ارباب لغت "خسارت" را به معنای زیاد بردن، ضرر کردن، زیان‌کاری، زیان و ضرر آورده‌اند(معین، ۱۳۹۱: ۴۵۶).

لیکن در معنای اصطلاحی این کلمه با دو مفهوم به کار رفته است:

الف. خسارت به معنی زیان وارد شده(ضرر)

ب. خسارت به معنی جبران ضرر وارده.

در عرف نیز این کلمه به دو معنای خسارت زدن و خسارت پرداختن، مورد استفاده واقع شده

است(جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷: ۴۱۵).

در فقه "ضرر" در معنای ذیل به کار رفته است:

الف. صدمه جانی زدن به خود و دیگران اعم از ضرب و جرح و قتل.

ب. تجاوز به حیثیت دیگران و لطمه زدن به حیثیت خود.

ج. تعرض به ناموس دیگران.

د. اتلاف و ناقص کردن اموال خود و دیگران، و تجاوز به مال غیر؛ مانند غضب و خیانت در

امانت و اختلاس.

هـ. ممانعت از وجود پیدا کردن نفعی که مقتضی وجود آن حاصل شده است، یا عدم النفع

مانند کندن درختان میوه‌ای که شکوفه دارند.

صاحب «قاموس» "ضرر" را ضد "نفع" معنی کرده، و به معنای سوء حال آورده است.

«نهایة»/بن‌اثر و «مجمع البحرین» "ضرر" را نقص در حق دانسته‌اند. «مصباح المنیر» "ضرر"

را به معنای مکروه نسبت به یک شخص یا نقص در اعیان می‌داند. «مفردات»/راعب/صفهانی

"ضرر" را سوء حال تفسیر می‌کند، اعم از اینکه سوء حال نفس به خاطر قلت علم و فضل، یا

سوء حال بدن به خاطر فقدان عضوی از اعضاء و یا به خاطر قلت مال و آبرو باشد (محقق

داماد، ۱۳۹۲: ۱۳۸).

همانگونه که ملاحظه کردید اختلاف نظر اهل لغت به علت استعمالات مختلف کلمه "ضرر"

امری طبیعی است، ولی در مجموع می‌توان گفت در مورد نفس و مال کلمه ضرر استعمال

می‌شود، اما در مورد فقدان احترام و تجلیل و آبرو کلمه "ضرر" کم‌تر استعمال می‌شود.

بنابراین با عنایت به مصادیق ذکرشده، ضرر در فقه هم شامل ضرر مادی و هم شامل ضرر

معنوی می‌شود. برخی دیگر برای ضرر معنا و مفهوم عرفی قائل‌اند و هرگونه تعریفی را در جهت

فهم معنای عرفی آن معرفی کرده‌اند، و ایشان معتقدند که رجوع به کتب لغت برای فهم ضرر

لازم نیست. ساده‌ترین تعریفی که داشته‌اند این است: از دست دادن هر یک از مواهب زندگی،

جان، مال، حیثیت و هر چیز دیگر که بشر می‌تواند از آن بهره‌مند گردد.

در ترمینولوژی حقوق آمده است که خسارت به دو معناست: ۱: زیانی که کسی به مال دیگری

برساند، ۲: تاوان یعنی مالی که فاعل زیاد مالی، به غیر باید بابت جبران به او بدهد.

و همچنین در این کتاب پیرامون واژه مزبور آورده است خسارت (مدنی - فقه):

الف. مالی که باید از طرف کسی که باعث ایراد ضرر مالی به دیگری شده به متضرر داده شود.

ب. زیان وارد شده را هم خسارت می‌گویند.

حقوقدانان با عنایت به معانی لغوی، اصطلاحی و عرفی ضرر گفته‌اند: هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود، یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخصی لطمه‌ای وارد آید می‌گویند ضرری به بار آمده است.

لفظ خسارت را قانون تعریف نمی‌کند اما مصادیق مختلف آن را تحت این عنوان یا عناوینی چون ضرر و زیان نام می‌برد. از قبیل خسارت دادرسی، خسارت تأخیر تأدیه، خسارات حاصل از عدم انجام تعهد، خسارت تأخیر در انجام تعهد و یا عدم تسلیم محکوم به: واژه خسارت در حقوق مدنی به دو معنی عمده استعمال شده است:

الف. به معنای ضرر که در این استعمال هیچ‌گونه تفاوتی میان خسارت و ضرر وجود ندارد، و در برخی استعمالات از لفظ زیان، صدمه و لطمه نیز استفاده شده است که این دو مورد اخیر بیش‌تر ناظر به صدمه و لطمه زیان‌ها به جسم و جان و شخص و شخصیت (معنویت) اوست. ب. به معنای چیزی که برای جبران خسارت پرداخت می‌شود (شاهد مثال مواد ۲۲۶، ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی).

اقسام ضرر و خسارت

۱. ضرر و خسارت مادی، ۲. ضرر و خسارت معنوی.

۱. ضرر و خسارت مادی: خسارتی که به بدن شخص یا اموال و دارائی او وارد شده باشد مثل جراحت وارد کردن و شکستن پنجره.

خسارت مادی عبارت است از تلف کردن کلی یا جزئی مال یا فوت منفعت (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۴۲).

مقصود از ضرر مالی زیانی است که در نتیجه از بین رفتن اعیان اموال مانند سوختن خانه و کشتن حیوان، یا کاهش ارزش اموال مانند احداث کارخانه‌ای که از بهای املاک مجاور بکاهد و

مالکیت معنوی مانند صدمه رساندن به شهرت و یا نام تجاری و علامت صنعتی یا از بین رفتن منفعت و حق مشروع اشخاص به آنان می‌رسد (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۵۹).

ماده ۲۷۸ ق.آ.د.م می‌گوید: ضرر ممکن است به واسطه از بین رفتن مالی باشد، یا به واسطه فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل می‌شده است. بنابراین ضرر مالی که به شخص می‌رسد ممکن است در اثر از بین رفتن مالی باشد اعم از عین یا منفعت یا حق، یا در نتیجه از دست دادن منفعتی باشد (که این موضوع بحث مستقلی را می‌طلبد).

۲. خسارت و ضرر معنوی: ضرری که متوجه حیثیت و شرافت و آبروی شخص گردد.

ضرر معنوی یعنی خسارات وارده بر متعلقات غیر مالی انسان نظیر روان، آبرو و جسم.

خسارت معنوی عبارت است از کسر حیثیت و اعتبار اشخاص یا صدمات روحی.

خسارت معنوی زبانی است که بر حیثیت و آبرو یا عواطف و احساسات شخص وارد شده

است.

بنابراین مقصود از ضرر معنوی خسارتی است که چهره مالی و اقتصادی ندارد و به حقوق مالی و دارائی شخص صدمه نمی‌زند، ولی سبب رنج اخلاقی و لطمه به حقوق غیر مالی اوست مانند نقص بدنی، لطمه به شرافت و شهرت شخصی و خانوادگی، سلب آزادی، تجاوز به اقامتگاه، فاش ساختن اسرار خصوصی، رنج ناشی از مرگ خویشان.

تجاوز به حقوق غیر مالی (معنوی) انسان، حتی لطمه زدن به احساسات دوستی، خانوادگی، مذهبی و نیز درد و رنجی که در نتیجه حادثه‌ای عارض می‌شود امروزه می‌تواند مجوز مطالبه خسارت معنوی باشد. هم‌چنین می‌توان این نتیجه را گرفت که خسارت معنوی عبارت است از هرگونه ضرر و زبانی که به حقی معنوی وارد می‌شود. همان‌طور که در ترمینولوژی حقوق، حقوق معنوی اینگونه تعریف شده است که حقوق معنوی حقی است غیر از حقوق عینی و حق ذمی. از این رو نه به عین تعلق می‌گردد و نه به ذمه. بلکه مزیتی است قانونی و غیر مادی مانند حق مخترع بر اختراع خود، حقی که دارنده تصدیق رسمی دارد مثل تصدیق لیسانس، دکتری یا مثل حق مؤلف، و حق صاحب اسم تجاری.

خسارت‌های معنوی گاهی ناشی از لطمه زدن به یکی از حقوق مربوط به شخصیت و

آزادی‌های فردی و حیثیت و شرافت باشد، و گاهی در نتیجه صدمات روحی و محروم ماندن از

علاقه شغلی و هنری و علمی و شکست‌های عاطفی و لطمه به اعتقادات و ارزش‌های اخلاقی و مذهبی فرد می‌باشد.

حال در صدد این هستیم که مبنای خسارت و ضرر معنوی را به استناد قرآن و روایات تبیین نمائیم:

یکی از مبانی عدم مشروعیت خسارت معنوی استناد به قاعده لاضرر است، و این قاعده مستند به روایتی از پیامبر مکرم اسلام است. نقل این حدیث به تواتر معنوی است که «لاضرر و لا ضرار» - لا ضرر و لا ضرر فی الاسلام - لا ضرر و لا ضرار علی مؤمن». بیان این حدیث در خصوص مردی بود که نخلی داشت و راه ورود این نخل از منزل فرد دیگری بود، صاحب نخل جهت رسیدگی و آبیاری و غیره این نخل بدون اذن وارد می‌شد که این امر موجب اذیت و آزرده‌گی صاحب خانه می‌شد و در جریان دادخواستی که به پیامبر داده شد، پیامبر به بیان این حدیث دستور و حکم قلع درخت را داد.

به طور کلی در مستندات این قاعده اعم از کتاب و سنت به مصادیق بسیاری از ضررهای معنوی اشاره شده است، مشروعیت مشهور سمره بن جندب مبتنی بر همین موضوع است. از جمله:

۱. آیه ۲۳۳ سوره بقره:

﴿لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودُهُ بِوَلَدِهِ﴾

یعنی هیچ مادری نباید به فرزندش ضرر برساند و نیز هیچ پدری نباید به فرزندش زیان بزند. طبق این آیه مادران نهی شده‌اند که با قطع شیر موجب ضرر و زیان فرزند خود شوند.

۲. آیه ۲۳۱ سوره بقره:

﴿لَا تُمْسِكُوهُنَّ ضَرَارًا لِّتَعْتَدُوا﴾

یعنی نگاه ندارید آن زنان را که تعدی کنید. بدین توضیح که گروهی از مردان زنان خود را طلاق می‌دادند و بعد به آن‌ها رجوع می‌کردند، البته نه به خاطر میل و رغبت و علاقه به آن‌ها بلکه به خاطر تعدی و تجاوز و ضرر به آن‌ها؛ و قرآن از این عمل نهی کرده است و مرحوم فاضل مقداد در تفسیر این آیه آورده است که ضرر وارد ساختن بر زن و آزادی او تعدی از حدود الهی است.

۳. آیه ۲۸۲ سوره بقره:

﴿لَا يُضَارُّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ﴾

یعنی کاتب و گواهی‌دهنده نباید ضرر برساند، بدین توضیح که کاتب و سند نویس نباید امری را خلاف واقع در سند بنویسد، که سبب ضرر به طرف عقد شود و همچنین شاهد نباید چیزی را خلاف واقع شهادت دهد که سبب ضرر مشهود علیه گردد.

بنابراین ضرر معنوی در اسلام مشروعیت ندارد، و این عدم مشروعیت هم در مرحله جعل حکم وجود دارد و هم در مرحله اجرای حکم، یعنی اگر حکم در شرایط خاصی باعث ضرر معنوی شود مشروعیت آن برداشته می‌شود. همچنین اگر در روابط اجتماعی مردم در جایی موضوع ضرر معنوی بر دیگری پیش آید این امر مورد امضای شارع نیست. لذا دستورات و مقرراتی که به طور صریح یا ضمنی نظر به جواز خسارت معنوی دارند فاقد اعتبار هستند. در احکام اولیه اسلام اصل، عدم زیان و ضرر عمومی رعایت شده است و زیان‌های معنوی از مصادیق مهم آن می‌باشد.

یکی دیگر از ادله‌ای که می‌توان در عدم مشروعیت خسارت معنوی به آن استناد کرد "قاعده لاجرح" است که مبنای آن قرآن است:

حرج: در لغت به معنای ضیق، مکان تنگ، جای پر درخت، و گناه آمده است؛ و گفته شده حرج به معنای تنگ‌ترین جاهاست.

در قرآن نیز واژه حرج در سه معنا آورده شده است:

۱. ضیق:

﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْحُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا﴾

(انعام/۱۲۵)

«پس هر که خدا هدایت او را خواهد قلبش را به نور اسلام روشن گرداند و هر که را خواهد گمراه کند (یعنی به حال گمراهی گذارد) دل او را از پذیرفتن ایمان تنگ و سخت گرداند.»

﴿كُنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ﴾ (اعراف/۲)

«ای رسول کتابی بزرگ برای تو نازل شد پس دلتنگ مباش.»

۲. گناه:

﴿لَيْسَ عَلَى الضُّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجًا إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ
وَرَسُولِهِ﴾ (توبه/۹۱)

«بر ناتوانان و بیماران و فقیران که خرج سفر عیال خود را ندارند تکلیف جهاد و گناهی نیست، هرگاه آن‌ها هم برای رضای خدا و رسول، خلق را نصیحت و هدایت کنند».

۳. به معنای کلفت و مشقت:

﴿مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾ (حج/۷۸)

«در دین اسلام کار سنگین و سختی بر شما قرار ندارد».

عُسر

متضاد یُسْر و به معنای ضیق و تنگی و شدت، دشواری و سختی است. عُسر مترادف حرج است. در «فرهنگ لاروس» واژه عُسر این‌چنین تعریف شده است: تنگدستی، تهیدستی، فقر، تنگی.

العسرة: کم مالی، تنگدستی، ناتوان بودن از پرداخت وام، دشواری، سختی.

با توجه به معنای حرج مراد از نفی، ضیق و تنگی است. از این رو برای تحقق این قاعده بایستی قائل به این باشیم که هر حرجی ممنوع است؛ به این معنی که نباید کسی بر کس دیگر عملی یا کاری را تحمیل کند که او را در عسر و حرج قرار دهد، و نبایست بر کاری که موجب حرج و تنگنا است صحه گذاشت. حال این حرج می‌تواند از باب ایراد خسارت باشد و اگر بر دیگری خسارتی وارد کند و از عهده خسارت وارده بر نیاید مصداقی از حرج است، و این طبق قاعده لاحرج برداشته می‌شود. به این معنا بایستی جبران خسارت کند و این عام است که هم شامل خسارت مادی می‌شود و هم شامل خسارت معنوی است. با بیان مثالی می‌توان رابطه خسارت معنوی و قاعده لاحرج را بررسی کرد. مثلاً دختر باکره‌ای که مورد تعرض جنسی به عنف قرار گرفته و در نتیجه بکارت خود را از دست می‌دهد، علاوه بر ضرر جسمی که بر وی وارد شده است، با از دست دادن بکارت خود ممکن است برای همیشه حداقل از لحاظ روحی آمادگی

ازدواج نداشته باشد یا در اثر اطلاع اهالی محل یا اطرافیان از این موضوع به حیثیت و آبروی وی و خانواده‌اش لطمه وارد آید، که در این صورت ممکن است هیچ یک از افراد مطلع و نزدیکان آن‌ها حاضر به ازدواج با چنین دختری نباشد. در چنین فرضی می‌توان گفت این دختر از لحاظ ازدواج و تشکیل زندگی در تنگنا قرار گرفته است که این در تنگنا قرار گرفتن مطابق قاعده لاجرح ممنوع است و در صورت بروز آن باید از ناحیه شخص ایجادکننده تنگنا، جبران گردد و اما چگونگی جبران آن بحث جداگانه‌ای دارد.

ناگفته نماند در عدم مشروعیت خسارت معنوی نیز می‌توان به بنای عقلا، که مورد امضاء دین اسلام قرار گرفته است، استناد کرد و آن اینکه: عقلا از قدیم الایام بر این باور بوده‌اند که چنانچه خسارتی اعم از مالی و جانی وارد شود عامل و مسبب این خسارت ضامن و مکلف به جبران خسارت است، و این در مورد خسارت‌های مالی هیچ جای بحث و تردید ندارد و عامل خسارت را ملزم به جبران خسارت به صورت مثلی یا قیمی می‌نماید.

اما در خصوص خسارت معنوی هم می‌توان گفت از آنجا که بین عقل و شرع ملازمه وجو دارد (کل ما حکم به العقل حکم به الشرع و کل ما حکم به الشرع حکم به العقل) می‌توان گفت چون عقل خسارت را اعم از مالی و معنوی می‌داند، و در هر دو صورت عامل خسارت را ملزم به جبران خسارت می‌کند پس شرع هم خسارت را اعم از مادی و معنوی می‌داند و از نظر شرع ایراد خسارت معنوی هم ممنوع است، و چون عدم پرداخت خسارت و نادیده گرفتن بُعد معنوی ظلم و قبیح است. پس از نظر شرع عدم نادیده گرفتن خسارت معنوی و عدم جبران آن قبیح و از مصادیق ظلم است. از این روست که قانونگذار با حجیت حکم شرع (قرآن و احادیث) به این موضوع پرداخته است از جمله:

۱. ضرر معنوی در قانون اساسی

در اصل ۱۷۱ قانون اساسی آمده است:

«هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم، یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلام ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌شود».

بنابراین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت از ضرر و زیان معنوی و لزوم جبران آن نام برده شده است.

۲. ضرر معنوی در قانون مسئولیت مدنی

ماده ۱: «هر کسی بدون مجوز قانونی عملاً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری، یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مالی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

ماده ۲: «در موردی که عمل وارد کننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت مذکور محکوم می‌نماید».

ماده ۸: «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسؤول جبران آن است. شخصی که در اثر انتشارات مزبور با سایر وسایل مختلف یا حُسن نیت مشتریانش در معرض از بین رفتن باشد، می‌تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر زیان وارده را از وارد کننده مطالبه نماید».

ماده ۹: «دختری که در اثر اعمال حيله یا تهدید و یا سوء استفاده از زیر دست بودن، حاضر برای هم‌خواهی نامشروع شده، می‌تواند از مرتکب علاوه بر زیان مادی، زیان معنوی مطالبه نماید».

ماده ۱۰: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می‌شود، می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است، جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصی ایجاد نماید، دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر، علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید».

۳. ضرر معنوی در قانون مجازات اسلامی

در قانون مجازات اسلامی نص صریحی بر تجویز مطالبه ضرر و زیان معنوی وجود ندارد، ولی می‌توان بعض موارد را به ضرر و زیان معنوی تفسیر نمود؛ مثلاً در خصوص ارش البکاره می‌توان

آن را نوعی خسارت معنوی دانست چراکه با از بین بردن بکارت دوشیزه به حیثیت و آبروی وی لطمه وارد شده است.

ماده ۴۴۱ قانون مجازات اسلامی:

«از بین رفتن بکارت دختر با انگشت که باعث شود او نتواند ادرار را ضبط کند، علاوه بر دیه کامل زن، مهر المثل نیز دارد».

ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در مورد ضرر مادی، مرتکب در صورت تقصیر، مقصر و طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در موارد ضرر معنوی، چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی، موجب هتک حرمت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود».

ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی: «اطبا و جراحان و ماماها و داروفروش‌ها و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از مواد قانونی، اسرار مردم را فاش کنند به ۳ ماه و یک روز تا یکسال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند».

۴. ضرر معنوی در قانون صدور چک

ماده ۱۲ قانون صدور چک اصلاحی ۸۲: «صدور قرار موقوفی تعقیب در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که در آن دادگاه نسبت به سایر خسارات مورد مطالبه رسیدگی و حکم صادر کند».

ماده ۱۴: «صادرکننده یا ذی نفع یا قائم مقام قانونی آن‌ها به تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل گردیده، می‌تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد، بانک پس از احراز هویت دستور دهنده، از پرداخت آن خودداری خواهد کرد، و در صورت ارائه چک یا گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می‌نماید. دارنده چک می‌تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده شکایت کند و هرگاه خلاف ادعائی که موجب عدم پرداخت شده ثابت گردد،

دستوردهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۷ این قانون به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد».

ضرر معنوی در قانون مطبوعات

ماده ۳۰: «انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افتراء یا فحش یا الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین‌آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است. مدیر مسؤول جهت مجازات به محاکم قضائی معرفی می‌گردد، و تعقیب جرائم موکول به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت، تعقیب در هر مرحله‌ای که باشد متوقف خواهد شد».

تبصره ۱: «در موارد فوق الذکر شاکی (اعم از حقیقی یا حقوقی) می‌تواند برای مطالبه خسارتی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه صالحه شکایت نموده، و دادگاه نیز مکلف است نسبت به آن رسیدگی و حکم متناسب را صادر نماید».

نتیجه بحث

حقوق خصوصی، صرفاً حقوق حاکم بر اموال و حقوق مالی نیست بلکه به صیانت، حقوق مربوط به شخصیت نیز توجه دارد و هم در شرع مقدس اسلام و هم در قوانین موضوعه به این امر توجه شده است، که ضرر و زیان معنوی امری ممکن است و به رسمیت شناخته شده است و کسی که از این بابت متضرر گردد می‌تواند و این حق را دارد که در کنار استیفای ضرر و زیان مادی، به مطالبه ضرر و زیان معنوی اقدام کند. با توجه به مبانی فقهی چون قاعده لاضرر و لاجرح، که مستند به آیات و روایات می‌باشند ضرر معنوی در اسلام مشروعیت ندارد. این ضرر بایستی جبران شود، و مصادیق وارده جبران خسارت معنوی را به اشخاص حقیقی و دولت‌ها تسری داد، و خسارت معنوی وارده به دولت‌ها از جمله مسائل مهم حقوق بین الملل عمومی و مورد توجه دیپلماسی بین المللی است.

کتابنامه

قرآن کریم

- اصفهانی، راغب. بی تا، **معجم مفردات الفاظ قرآن**، المكتبة المرتضویه.
- امامی، سید حسن. ۱۳۷۰، **دوره مقدماتی حقوق مدنی**، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- جر، خلیل. ۱۳۸۷، **فرهنگ لاروس**، ترجمه سید حمید طبیبیان، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. ۱۳۶۷، **ترمینولوژی حقوق**، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- سلطانی، شهرام و امیررضا سادات باریکانی. ۱۳۸۷، **قانون مطبوعات**، تهران: انتشارات خرسندی.
- شمس، عبدالله. ۱۳۹۲، **قانون اساسی**، تهران: انتشارات دراک.
- شمس، عبدالله. ۱۳۹۲، **قانون مدنی**، تهران: انتشارات دراک.
- کاتوزیان، ناصر. ۱۳۸۲، **الزامهای خارج از قرارداد**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- معین، محمد. ۱۳۸۷، **فرهنگ معین**، تهران: انتشارات نشر کتاب آراد.
- منصور، جهانگیر. ۱۳۸۹، **قانون صدور چک**، تهران: نشر دیدار.
- منصور، جهانگیر. ۱۳۹۲، **قانون مجازات اسلامی**، تهران: نشر دیدار.